

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۱۲۱

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۱۳ — ۲۰ شوال ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۲۹۵

قیمت اشتراك { سالانه : ۱۰۰ ریال
داخه : ۲۵ ریال } تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۱۳ * (۲۰ شوال ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

۱ (تصویب صورت مجلس)
۲ (بقیه شور ثانی جلد دوم قانون مدنی)

۳ (درر لایحه اصلاح قانون حکمت)
۴ (موقع و دستور جلسه بعد - غنم جلسه)

(مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس شنبه بیست و نهم دی ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

با ماده ۹۶۳ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده ۹۶۴ :

ماده ۹۶۴ - روابط بین ابرین او اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط بمادر مسام باشد که در اینصورت روابط بین طفل و مادراو تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود .

رئیس - اشکالی نیست ؟ (خیر) موافقین بالین ماده قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده ۹۶۵ :

ماده ۹۶۵ - ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق

۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خیر)

صورت مجلس تصویب شد .

۲ - بقیه شور جلد دوم از قانون مدنی از ماده ۹۶۳]

رئیس - ماده ۹۶۳ از جلد دوم قانون مدنی :

ماده ۹۶۳ - اگر زوجین قیام یک دولت باشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود .

رئیس - اشکالی نیست ؟ (خیر) آقایانی که

* * * عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و یکمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۵ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : افشار - امیر ابراهیمی - امیدی - دکتر فزل ابیح - وکیلی - طهرانی - پرنس آقا و داب زاده نیک پور - شریعت زاده - کورس - عدل .
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : ملک مدنی - دکتر میرانم - یقوانی - مرتضی قلی خان یات - انجمنی - عراقی - اعظم زنگنه استعدادی - حزه تانی - دکتر ادهم - مسعود تانی - مهدق جهانم - امیر نیبور - نوبخت - منف - کاشف - هراز دکتر صبیحی .

قوانین دولت متبوع مولى عليه خواهد بود .
 رئیس - موافقین با اینماده قیام فرمایند (اکثر
 برخاستند) تصویب شد . ماده ۹۶۶
 ماده ۹۶۶ - تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر
 اشیاء منقول با غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود
 که آن اشیاء در آنجا واقع میباشد مذلک حمل و
 نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمیتواند
 بطرفی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محصل
 وقوع اولی شیئی نسبت به آن تحصیل کرده باشد خللی
 وارد آورد .
 رئیس - اشکالی نیست ! (خیر) موافقین با این
 ماده قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .
 ماده ۹۶۷ :
 ماده ۹۶۷ - ترکه منقول با غیر منقول اتباع خارجه
 که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از
 قبیل قوانین مربوطه به تعیین وارث و مقدار سهم الارث
 آنها و تشخیص قسمتی که متوفی میتواند است به موجب
 وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی
 خواهد بود .
 رئیس - اشکالی نیست ! (خیر) آقایانی که
 با این ماده موافقت قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند)
 تصویب شد . ماده ۹۶۸ :
 ماده ۹۶۸ - تعهدات ناشی از عقود تابع قانون
 محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقبین اتباع خارجه
 بوده و آنرا صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار
 داده باشند .
 رئیس - آقای کاشف .
 کاشف - در مورد اول این ماده طوری تنظیم شده
 بود که بطوریکه در خارج با آقای وزیر عدلیه مذاکره
 شد خیلی اشکال پیدا میکرد از نقطه نظر معاملات
 اگرچه ماده کاملاً تصریح ندارد که مقصود از عقود
 اعم است از عقود معاملات یا عقود دیگر ولی در نتیجه
 توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه در جواب سؤال بنده
 در خارج فرمودند معلوم شد اعم است در مورد قسمتی
 اتباع خارجه را اضافه کرده اند بنده هم در اینقسمت

این خیلی لازم است اسنادی که در ایران نوشته میشود
 باید بزبان فارسی نوشته شود لاغیر .
 وزیر عدلیه - قسمت اول را خوب ملتک ندوم
 مقصود آقای کاشف چه بود . تعهدات ناشیه از عقود
 اینجا مقصود تعهداتی است که مربوط به عمل با حقوق
 باشد و در ضمن هر عقدی که باشد فرق نمیکند چیزی
 که از اینجا خارج است همان عقد ازدواج است چون
 آنرا عقد مطلق نمیکویند عقد ازدواج با عقد نکاح یکویند
 در هر حال در این باب اشکالی نمی بینم . آقسمت
 که پیشنهاد کرده اند اصلاح شد باین ترتیب که تا مدتی
 اگر اتباع خارجه باشند و در مملکت ایران بخواهند
 عقدی را بین خودشان ببندند یا تعهدی و قرار دادی
 بکنند میتواند تابع قوانین مملکت خودشان قرار بدهند
 و این شامل ایرانی نخواهد بود و از این جهت این
 بند شده است که متعاقبین باید ایرانی نباشد یکفرشان
 هم ایرانی باشد نمیتواند اینکار را بکنند . و در
 قسمت اخیر که فرمودند مسئله تنظیم اسناد این را حضور
 هم نمیکند بطور باشد چون اسناد باید در دفتر رسمی
 ثبت شود و دفتر را هم بزبان فارسی مینویسند اگر دفتر
 خودشان یا اسناد بین خودشان بزبان دیگری تنظیم شود
 مربوط باین نیست مقصود این است آنچه در دفتر رسمی
 ثبت میشود باید بزبان فارسی باشد در هر حال این يك
 مقررات ثبت است و ربطی بقانون مدنی ندارد ممکن است
 اگر جهات قسمی باشد در آنجا اصلاح شود .
 مخیر کمسیون عدلیه (آقای مؤید حمیدی) - در
 قسمت اول آقای کاشف در مورد اول يك پیشنهادی
 کرده بودند و تقریباً این پیشنهادشان طرف توجه شد
 و ماده بطور نوشته شده چون ماده در مورد اول بطور
 عموم بود و در اینجا محدود شده است که در صورتیکه
 متعاقبین هر دو اتباع خارجه باشند میتواند این کار را
 بکنند لکن اگر یکطرف ایرانی شد دیگر نمی تواند
 و این پیشنهاد جناب عالی است . و اما در قسمت خط اگر
 از اسناد رسمی است که در دفتر ثبت میشود این را
 ملاحظه می فرمایید که در ماده بعد دارد طرز تنظیم اسناد
 تابع قانون محل انظام است . قانون مملکت ما اینست

است که باید ثبت شود و فارسی است این است که هر دو
 پیشنهاد جناب عالی منظور شده است .
 رئیس - آقایانی که با ماده ۹۶۸ موافقت قیام
 فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده ۹۶۹ :
 ماده ۹۶۹ - اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون
 محل تنظیم نمود میباشد .
 رئیس - نظری نیست ! (خیر) آقایانیکه با این
 ماده موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب
 شد . ماده ۹۷۰ :
 ماده ۹۷۰ - مأمورین سیاسی یا نسولی دولت خارجه
 در ایران وقتی میتوانند با اجرای عقد نکاح با مددات نمایند
 که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و
 قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد .
 در هر حال نکاح باید در دفتر سجل احوال ثبت شود .
 رئیس - آقایانیکه ماده ۹۷۰ را تصویب می کنند
 قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده
 ۹۷۱ :
 ماده ۹۷۱ - دعوی از حیث صلاحیت محاکم و
 قوانین راجعه با اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد
 بود که در آنجا اقامه میشود مطرح بودن همان دعوی
 در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد
 بود .
 رئیس - موافقین با ماده ۹۷۱ قیام فرمایند (اکثر
 برخاستند) تصویب شد . ماده ۹۷۲ :
 ماده ۹۷۲ - احکام صادره از محاکم خارجه
 و همچنین اسناد رسمی لازم الاجرای تنظیم شده در خارجه
 را نمیتوان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین
 ایران امر با اجرای آنها صادر شده باشد .
 رئیس - آقایانیکه با ماده ۹۷۲ موافقت دارند قیام
 فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده
 ۹۷۳ :
 ماده ۹۷۳ - اگر قانون خارجه ای که باید مطابق
 ماده ۷ جلد اول اینقانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت
 گردد بقانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف

رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد .

رئیس - آقایانیکه ماده ۹۷۳ را تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده ۹۷۴ :

ماده ۹۷۴ - مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا جدی بموقع اجرا گذارده بشود که مخالف عهد بین المللی که دولت ایران آنرا امضا کرده و با مخالف با قوانین مخصوصه باشد .

رئیس - آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده ۹۷۵ :

ماده ۹۷۵ - محکمه نمیتواند قوانین خارجی و با قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا ملت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب میشود بموقع اجرا گذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد .

رئیس - آقایانیکه ماده ۹۷۵ را تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . شور در کلیات اخیر است . مخالفی نیست ؟ (خیر) آقایانی که با مجموع این قانون موافقت دارند قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .

[۳ - شور لایحه اصلاح قانون حکمیت]

رئیس - اصلاح قانون حکمیت خبر از کمیسیون عدلیه :

خبر کمیسیون :

کمیسیون قوانین عدلیه در جلسه اخیر خود با حضور آقای وزیر عدلیه لایحه نمره ۲۴۶۸۱ دولت را جمع باصلاح قانون حکمیت را مطرح و مورد شور و مذاکره قرار داده پس از مذاکرات لازمه توضیحاتی که آقای وزیر محترم عدلیه بیان نمودند مواد پیشنهادی برای شور اول با جزئی اصلاحی موافقت علیهذا رایورن آن را تقدیم میدارد که مورد شور و ملاحظه آقایان نمایندگان محترم قرار گیرد .

قانون حکمیت

ماده ۱ - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی

را دارند میتوانند اختلافات و منازعه خود را در حقوق و اموال اعم از اینکه در محاکم عدلیه طرح شده یا نشده باشد در صورت طرح در هر مرحله که باشد به حکمیت یک یا چند نفر رجوع کنند .

رئیس - تمام مواد را بخوانیم ؟ (بعضی از نمایندگان - همه خوانده اند) مذاکره در کلیات است . مخالفی نیست ؟ (خیر) آقایانیکه بورد در مواد موافقت دارند قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده اول :

ماده اول - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی را دارند میتوانند اختلافات و منازعه خود را در حقوق و اموال اعم از این که در محاکم عدلیه طرح شد یا نشده باشد در صورت طرح در هر مرحله که باشد به حکمیت یک یا چند نفر رجوع کنند .

رئیس - آقای دکتر طاهری .
دکتر طاهری - مراحل دعوی در عدلیه بدنی و استیفاء و نیز است . بنده خوانستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که آیا دعوی وقتی رسیده به تمیز آنجاهم میشود تقاضای حکمیت کرد ؟

وزیر عدلیه - در تمیز که حکمی برای رسیدگی وارد میشود اصولاً رسیدگی تمیز مربوط است باینکه مطابق با قوانین و اصول محاکمات بوده است یا نه ؟ نظر نیز در این قسمت است وارد اهلیت دعوی نمیشود لکن چون اصل مطالب بطور کلی در دیوان تمیز است و ممکن است تقاض شود و پس از آنکه تقاض شد به محکمه تالی راجع میشود و باید رسیدگی تالی بشود از این جهت میتوان گفت که هنوز کار محاکم و قضیه تمام نشده در اینصورت طرفین حق دارند به حکمیت راجع کنند که از حیث ماهیت محاکمه کارشان تمام شود ولی در عین حال دیوان تمیز بآن حکم سابق رسیدگی میکند و حکم خودش را خواهد دادمانانی هم ندارد لکن آن حکم تأثیری در مورد متداعین نخواهد داشت .

رئیس - آقای دکتر طاهری .
دکتر طاهری - منظور بنده این است این حق حکمیت

که برای متداعین هست طرف هم مجبور است قبول بکند یا نیست با موافقت طرفین باشد . یعنی این حق را قانون میدهد که هر کدام تقاضا کردند طرف دیگر مجبور است قبول کند . یا خیر باید با رضای هر دو باشد ؟

وزیر عدلیه - مقصود توافق طرفین است و موافقت هم بد می آید .

رئیس - ماده دوم :

ماده دوم - متداعین میتوانند در ضمن معامله به موجب قرار داد علیحدّه ملتزم شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف بطریق حکمیت بعمل آید و نیز میتوانند حکم یا حکمهای خود را قبل از تولید اختلاف معین کنند . در مورد معاملات واقع بین تابع ایران و تابع خارجه طرف ایرانی نمیتواند مادام که اختلاف تولید شده است بنحوی از انحاء لازم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا به حکمیت یک یا چند نفر و یا به حکمیت هیئتی رجوع نماید و آن شخص یا اشخاص و یا آن هیئت دارای همان اهلیت باشند که طرف معامله دارد .

هر قرار دادی که مخالف این حکم باشد باطل و بلا اثر است .

رئیس - اشکالی نیست ؟ (خیر) ماده سوم :

ماده سوم - در قرار داد حکمیت باید نکات ذیل ذکر شود :

- ۱ - مشخصات طرفین و حکمها از قبیل اسم و اسم خانوادگی و غیره بخوری که رافع اشتباه باشد .
- ۲ - موضوع اختلاف که باید به حکمیت قطع شود .
- رئیس - ماده چهارم :
- ماده ۴ - در مورد ماده ۲ هر که طرفین حکم یا حکمهای خود را در ضمن معامله یا قرار داد معین کرده باشند هر که در موقع بروز اختلاف بیکطرف از تعیین حکم اشکاف نماید طرف دیگر می تواند حکم خود را معین کرده بوسیله اظهار نامه رسمی او را بطرف مقابل معرفی و از طرف مزبور تقاضا نماید که حکم خود را معین و معرفی کند در اینصورت طرف

وزیر عدلیه - بنده مقتضی دانستم که اساساً بک توضیحاتی راجع باین قانون حکمت و اصلاحی که شده عرض بکنم و فرس باینکه محتاج توضیح است باین **قبل آقای دکتر طاهری** بود. اینجا در ماده اول گفته شده است که کلیه اشخاص متواتر دعوی را در هر مرحله که باشد بحکمت رجوع کنند خود ظاهر این ماده این است که طرفین یعنی برضی و حکمت اجباری را باید تشریح کرد همانطوریکه در این ماده توضیح داده شده است این حکمت بدو صورت انجام داده میشود یکی آنست که دعوائی در محاکم عدلیه طرح شده است اعم از ابتدائی و استیناف و تمیز. هر کجا که باشد و طرفین خودشان بخواهند به حکمت مراجعه کنند چون فصل اختلاف دو جنبه دارد یک قسمتش مربوط بحقوق طرفین است، یک قسمت هم مربوط است بحقوق قانونی و نظامات قانونی. آنست که مربوط بطرفین است آن حقیقت و ماهیت اختلاف است چون اختلاف قائم بطرفین است هر یک بخواهند مثلا مدعی اگر دعوی خودش را ترک کند دیگر دعوائی باقی نمی ماند یا اگر مدعی علیه تسلیم بدعوی مدعی بشود دیگر دعوا نمی کند پس این صرفاً از حقوق طرفین است، قوانین اجازه داده است که بطور کلی طرفین اگر بخواهند بمحکمه عمومی که مرجع قانونی است کارشان را مراجعه کنند و در اینجا تعقیب کنند یعنی حق داشته باشند یک اشخاصی را برای خودشان مثل محکمه درست کنند این میشود حکمت ولی این حق قائم بطرفین است نه یک طرف، این یک حکمینی است که بطور عادی در محاکم اتفاق می افتد و این قسمت از قانون برخلاف قانون سابق است که در آنجا وقتی یکطرف قاضا میکرد طرف دیگر را مجبور و ملزم میکردند بارجاع بحکمت. یک حکمت دیگر هم فرض میشود و آن این است که طرفین معامله در ضمن معامله قرارداد میکنند که اگر در مواد آن قرارداد و آن معامله و آن عهد پدما اختلافی بین آنها پیدا شد آن اختلاف را رجوع بحکمت بدهند و بطور حکمت قطع و فصل کنند چون مواد قرارداد الزامی است نسبت بطرفین و طرفین ملزم برعایت آن هستند

پس اینهم یکی از موارد است و الزام دارند برعایت آن حالا که ملزم شد حالا که شخصی با اشخاصی خودشان را با اختیار ملزم کرده اند برجوع بحکمت پس در مورد بروز اختلاف اگر یک طرف استکفاف کرد او را باید اجبار کرد ولی این اجبار بدوی نیست، این اجبار اجباری است که خودش در مقابل طرف برای خود ایجاد کرده است در آن اول و این از قبیل امتناعی است که منافی با اختیار نیست، پس در این صورت و همچنین در صورتیکه معامله باشد، قراردادی باشد، یک اختلافی درند با همدیگر و حالا خیال دارند رجوع کنند بمحکمه طرفین با هم موافقت میکنند و قراردادی تنظیم میکنند که این اختلاف را بحکمت رجوع کنند در این صورت اگر هر دو حکم خودشان را در ضمن آن قرار داد معین کردند که دیگر کارشان انجام میشود و اگر نکردند و فقط رجوع بحکمت را فرار داد کردند بدون اینکه حکم برای خودشان معین کنند در ضمن قرار داد آنوقت یکطرف آنها امتناع کرد باز آنطرفی که منافی است برجوع بحکمت حق دارد بمحکمه رجوع کند و ارجاع بحکم را بخواهد در این صورت محکمه که اصولاً حق رسیدگی و صلاحیت رسیدگی به آن دعوی را دارد اخطار میکند به طرف مقابل که حکم خودش را معین کند اگر معین نکرد اینجا در طرف یکپخته نوشته شده است که باید معین کند، حالا ممکن است که سه روز هم به آقای افسر ارفاق کنیم که علاوه بشود و بشود ده روز ولی دو هفته که ایشان میفرمایند زیاد است بجهت اینکه محاکمات را هم نباید زیاد معطل کرد و ده روز کافی است بد اگر آنطرف باز حاضر نشد محکمه خودش معین میکند به ترتیبی که در مواد دیگر معین شده است.

رئیس - (مطالب به آقای افسر) - نظر تان در پیشنهاد کنید برای مشاوره در کمیسیون. ماده پنجم قرائت میشود:

ماده ۵ - هرگاه در قرارداد حکمت عدلیه معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین عدلیه حکمها توافق کنند هر یک از طرفین باید بیکطرف حکم اختصاصی و هر دو متفقاً بیکطرف حکم ناک معین کنند.

رئیس - نظری نیست آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - اینجا میبوسد در قسمت آخر ماده که طرفین باید بیکطرف حکم اختصاصی و هر دو متفقاً بیکطرف حکم ناک معین کنند خوب اگر راجع به حکم مشترك توافق نکردند میخواستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که محکمه در اینصورت تعیین حکم مشترك باید بکند یا کس دیگر؟ ماده بنظر بنده فکری ایجاب دارد در این خصوص اگر محکمه باید معین کند که در ماده پنجم باید نوشته شود که اگر طرفین توافق نکردند محکمه آن بیکطرف حکم مشترك را معین کند و طرفین هم مجبور باشند که آنرا قبول کنند، به نظر بنده یک توضیحی در این قسمت لازم است که داده شود.

وزیر عدلیه - خوبست آقای مطالب شان را پیشنهاد کنند تا در کمیسیون مذاکره شود، بنظر بنده لزومی ندارد ولی حالا وارد نمی شوم تا در کمیسیون مذاکره بکنیم.

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

ماده ۶ - اگر در قرارداد حکمت مدت اختیار حکمها معین نشده باشد مدت دو ماه خواهد بود و ابتداء آن از روزی است که تمام حکمها کتباً قبول حکمت را کرده اند.

رئیس - آقای افسر.

افسر - اگر همه معاملات را فرض کنیم معاملات داخلی است که در اینجاها باید گفتگوش ختم شود که دو ماه خوب بود و عیبی نداشت ولی ممکن است یک معاملات خارجی باشد مثلا طرفش در آمریکا است و در آنجا دفاتری است که باید مراجعه شود و پس از مراجعه باز باید با طرفها رجوع شود تجارت است دیگر ممکن است دفتری هم در آنجا باشد که باید به آنها مراجعه کنند و این قبیل مطالب در دنیا بسیار زیاد و رائج است خیلی معمول است جاهای مختلف دنیا باهم ارتباط دارند معامله دارند و مراجعه بنقاط مختلفه باید بشود بنا براین گمان میکنم باید این قسمت را بنظر

محکمه واگذاریم که اگر مدت را کافی ندانست نسبت باوضاع و احوال تفسیر بدهد و اگر رسیدگی کرد و دید ششماه ممکن است جریان این محاکمه و این حکمتها طول بکشد وقت بدهد یا دو ماه یا سه ماه یا چهار ماه والا اگر بنا شد مدت معلوم باشد هم محتاج خواهند بود بتکرار اختیار و مباحثات مفصلی میشود و ممکن است حکمها نتوانند کار کنند و کار ناتمام بماند و آنطوری که مبل دارند رأی قاطعی که طرفین رازاحت کنند نتوانند بدهند پس بنظر بنده اینجا خوبست مدت را با اختیار محکمه بگذارند و این بهتر است.

وزیر عدلیه - بنده موافق با این نظر نیستم. بجهت اینکه اگر کار بیکمچو کاری است که محتاج است اسنادش را از آمریکا بیاورند ممکن است طرفین شش ماه قرار بدهند اختیار دست خودشان است، مقصود این است که اگر مدت را تعیین نکرده باشند باید گفت که حکمت الی الابد است و اینکه مقول نیست پس باید مدتی معین بشود، مدت متعارف هم دو ماه است اگر در دو ماه هم حکمها بخواهند کار کنند تمام میکنند ولی اگر نخواهند کار بکنند ششماه هم که باشد و قرارداد بکنند باز آخر ششماه مشغول میشوند و باز وقت میگذرد پس همین دو ماه کافی است.

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - در هر موردی که محکمه بجای طرفین با یکی از آنها تعیین حکم میکند باید لافل اسم دو برابر عدلیه را که باید معین شود و واجد شرایط مقرره هستند نوشته و حکمها حکمهای لازماً ازین آنها بطریق قرعه معین میکنند.

رئیس - آقای افسر فرمایشی داشتید؟

افسر - در اینجا عقیده بنده این است که دو برابر خیلی کم است چون قرعه است و بیشتر باشد بهتر است سه برابر باشد بهتر است و دو برابر خیلی کم است البته اگر تصور کنیم که در بعضی جاها کمتر هستند و کمتر پیدا میشوند ولی در خیلی جاها بیشتر پیدا میشود و چون برای قرعه هم هست خیلی آدم راضی تر میشود که از بین سه برابر انتخاب کنند تا از دو برابر

بنابراین بنده عقیده ام این است که سه برابر باشد نه دو برابر .

وزیر عدلیه - بای فلسفه فرمایش آقای افسر را بنده خوب ندانم که چه بود مگر مقصود این است که در بین اشخاصی که تعداد آنها زیادتر باشد اشخاص مناسب تری و صالحتری پیدا میشود که این فلسفه نیست که عدد را زیاد بکنند برای اینکه آن محکمه که اشخاص را در معرض قرعه میگذارد باید رعایت کند تناسب آنها را برای کار ، قرعه برای این است که نظر محکمه يك شخص واحد نباشد که سبب سوء ظن بشود ولی این راه تصور بفرماید که اگر این را در قانون بگذاریم مساوی است که اشخاص دو برابر هم کمتر پیدا میشوند تا چه برسد سه برابر و چهار برابر اشخاص متناسب با کار خیلی زیاد نیستند که ما بتوانیم این را توسعه بدهیم .

رئیس - آقای افسر .

السر - ملاحظه فرموده اید که از اول مشروطیت و دوره قانون گذاری از ابتدای دوره اول تا حالا و وقتی که وکلاء انتخاب شان دو درجه بود قرار بود که سه برابر انتخاب بشوند بعد از این آنها انتخاب میکردند همینطور در بین انجمن نظارت و در اطاق تجارت و در انجمن بلدی و سایر انجمن ها قرار سه برابر بود در خیلی از جاها می بینیم که همیشه فکرهای چندین دوره مجالس معتد در این قسمتها روی سه برابر شده رفته است و البته يك جهتی را فکر کرده اند که این را ترجیح بر دو برابر داده اند و بطور کلی بی فلسفه بوده است .

مخیر - عرض کنم که البته خود آقای افسر نیز متوجهند که حکمیت را نمیتواند تقیاس برین کارهایی که فرموده کرد ، محاکمات که همیشه عمده نیست ممکن است سر يك چیز جزئی باشد سر يك مدعی به جزئی مختصری باشد که بحکمیت رجوع شده باشد حالا سه برابر اشخاصی که میفرمایند پیدا کنند ، شخصی که متناسب باشد کم پیدا میشوند ، از این جهت در نظر گرفته شده

به بیطرفی ختم شود . عقیده بنده این است در همین سرحکم اگر طرفین توافق حاصل نکرده اند یا در همین آن تکامل کردند و قرار شد محکمه معین کند بهتر این است لااقل سه برابر باشند . بهر حال در شور دوم اصلاح و معاوم میشود .

وزیر عدلیه - مشکل است با قدمت سه برابر موافقت کنیم زیرا در بعضی جاها برای محاکم کار مشکل میشود در اینکه بتواند سه برابر یا بیشتر قرار دهند در قرعه که دستشان باز است و ممکن است زیادتر قرار دهند ولی برای محکمه ممکن است مشکل شود زیرا در بعضی جاها اشخاصی را که باید طرفه قرعه قرار دهند ممکن است کم باشد پس خوب است اجازه بفرمایند در قانون همین دو برابر باشد اگر بخواهیم حداقل را سه برابر قرار دهیم محاکم دچار زحمت میشوند و این مسئله هم تجربه رسیده است .

رئیس - ماده هشتم :

ماده ۸ - اشخاص ذیل را مطلقاً نمیتوان بحکمیت معین کرد .

۱ - محکومین بجنایت و کسانی که با اتهام ارتکاب جنایتی تحت تعقیب هستند

۲ - محکومین به جتجه که محکمه در حکم خود آنها را از حق حکم شدن محروم کرده باشد .

رئیس - آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - بنده فلسفه این ماده را نمیدانم چیست . مقصود این است که حکم باید معصوم و دارای مقام عصمت باشد و خطایی از او سرزنش نمیکنند ؟ ممکن است يك کسی خطائی کرده باشد ولی مورد اطمینان شخصی واقع شود و او بگوید برو این کار را ختم کن . بچه جهت این ماده باید مانع باشد بلی مگر اینکه جنایت مهمی سیاسی چیزی کرده باشد که محکمه محرومش کرده باشد و الا اشکالی ندارد .

وزیر عدلیه - البته آقایان توجه میفرمایند در قانون باید جهات و مناسبات عدیده را در نظر داشت . اینجا سه قسم اشخاص را از حکم شدن محروم کرده است

(اعم از اختصاصی و با اشتراکی) یکی محکومین جنائی هستند زیرا محکومیت جنائی بالطبع تا وقتی که اعاده حیثیت نشده مطابق قانون جزا از حقوق اجتماعی محروم هستند در همه جا همینطور است . پس محکومین جنائی در وقتیکه اعاده حیثیتشان نشده تا سه سال بایشتر مطابق قانون و در گذشته اند نمیتواند از حقوق اجتماعی بهره مند شوند . یکی هم محکومین به جتجه که محکمه او را از حق حکمیت که یکی از حقوق اجتماعی است محروم کرده باشد پس این دو قسم که محل حرف نیست نظریه آقای دکتر منوجه میشود بقسم نك یعنی کسانی که تحت تعقیب محاکمه جنائی باشند . اینها را میفرمایند چرا باید محروم باشند اساساً در این يك فلسفه هائی هست و آن این است کسانی که متهمند يك عمل جنائی که در درجه جنایت است این يك اتهام بدی است برای آنها و مادام که تبرئه نشده اند نمیتواند در جامعه محترم باشند چون حکم هر که میخواهد باشد وقتی که حکم داد باید رأی او متبع باشد محاکم و قوای اجرائی دولت رأی او را بپذیرد اجرا کنند پس در واقع رأی او باید يك جنبه پاک و منزهی داشته باشد و اگر این شخص کسی شد که ملوث با اتهام جنائی شد این شخص نه حرفش نه شخصیتش نه رأیش مادام که تبرئه نشده اعتباری ندارد . و اصولاً برای اینکه مردم احترام کنند از اعمال جنائی و جرم یکی از موجبات ردع مردم همین است که قانون محروم کند ایشانرا از احترامات و جهاتی که واجعب سایر مردمی است که پاک هستند بین اینها البته يك امتیازی باید باشد در قوانین پیش هم همینطور بود .

رئیس - ماده نهم

ماده ۹ - اشخاص ذیل بوسیله قرعه بحکمیت انتخاب نمیشوند :

۱ - کسانی که سن آنها کمتر از سی باشد .
۲ - کسانی که در مقر محکمه که حکم را معین میکند متیم یا ساکن نیستند .

رئیس آقای افسر

السر - بنظر بنده عبارت ناروا است نوشته اشخاص

ذیل بوسیله قرعه بحکمت انتخاب نمیشوند. قرعه چنین تکلیفی را ندارد. زیرا وقتی که چند نفر را بقرعه نوشتند وقت کشیدن قرعه ممکن است اسم آنها درآید پس اشکالی ندارد که انتخاب شوند. هر کسی که اسمش داخل در اوراق شد انتخاب میشود و این دست کسی نیست پس اصلاً نباید اسمهاست در قرعه بیاید والا وقتی آمد انتخابش اشکالی ندارد.

وزیر عدلیه - اینجا در واقع از قبیل ذکر لازم و اراده ملزوم است. برای اینکه وقتی گفتیم بوسیله قرعه نمی تواند انتخاب شوند معنی اش این است که اصلاً در اطراف قرعه هم نباید داخل شوند و تصور نمیکند اجمال و ابهامی داشته باشد و معلوم معلوم است.

رئیس - ماده ده -
ماده ۱۰ - اشخاص ذیل را نمیتوان بقید قرعه بسمت حکم مشترک معین کرد مگر بتراضی طرفین.

۱ - کسی که در دعوی ذی نفع باشد.

۲ - اشخاصی که بابتی از متداعین قرابت نسبی یا نسبی تادرجه سوم دارند.

۳ - کسی که قیم یا کفیل یا مباشر امور یکی از متداعین یا یکی از متداعین مباشر امور او است.

۴ - کسی که خود یا زوجه اش وارث یکی از متداعین است.

۵ - کسی که بابتی از متداعین یا با اشخاصی که بابتی از آنها قرابت نسبی یا نسبی تادرجه سوم دارند محاکمه جنائی یا جنحه سابقاً یا فعلاً داشته باشد.

۶ - کسی که شخصاً یا زوجه او و یا یکی از اقربای نسبی یا نسبی تادرجه سوم او بابتی از متداعین یا زوجه او بابتی از اقربای نسبی یا نسبی تادرجه سوم او محاکمه حقوقی دارد
۷ - قضات و صاحب منصبان بدایت و استیناف و حاکم و سایر مأمورین دولت در حوزه مأموریت خود.

رئیس - آقای افسر

السر - عرض بنده در ماده ۹ بود که گذشت

رئیس - ماده یازدهم.

استعفا دهد تا پنجسال بطریق قرعه به حکمت معین نخواهد شد و در صورتیکه در جلسه بدون عذر موجه حاضر نشود حکم هائی که در جلسات حاضر شده اند مراتب را به محکمه مربوطه اطلاع میدهند و محکمه دیگری را بجای او معین میکند مگر آنکه طرفین بحکمت خود آن حکم قراضی کنند.

رئیس - آقای افسر.

السر - در آنجا که اگر استعفا بدهد حکم تا پنج سال از حق حکم شدن محروم میشود و حق استعفا نداشت خوب. ولی در آنجا که میگوید اگر در جلسه حاضر نشود هیچ فکری برایش نکرده اند و فقط میگوید مراتب را بمحکمه اطلاع بدهند تا دیگری را بجایش معین کنند. بنظر بنده این در مورد شیبه بهم است و هر دورا باید بکنواخت کنند اگر جزای پنجساله معین میکنند باید برای هر دو مورد باشد یا اولی را هم بردارند - زیرا بقیده بنده هر دو صورت یکی است و در تعطیل مطالب فرقی ندارد.

مخیر کمسیون عدلیه - عرض می کنم خاطریم هست که آقای افسر در کمسیون هم این موضوع را طرح فرمودند و بحث شد. به نظر بنده فرق دزد بین آن حکمی که در اول آمده و امضا کرده و حکمت را قبول کرده است و بعد که داخل کار شد بدون اینکه عذر موجهی داشته باشد یعنی (یا ناخوش شود یا مسافرت کند) بخود حاضر نشد یا استعفا داد. خوب این شخص را چه میکنیم؟ میگوئیم در آنجا که قرعه میکشند تا پنجسال اسم او را در قرعه نیاورند و این مجازات را بهش میدهم ولی فرض دیگر: يك آدمی است که آمده و حکم اختصاصی بکنفر شده ناخوش هم نشده نه در جلسه مثلا نتوانسته حاضر شود اشکالی برایش پیدا شده مجازات این شخص این است که دیگری را بجایش معین میکنند. دیگر چه کاری کنیم؟ چون این بقرعه نیست از این جهت آنها را گفتیم در معرض جریمه قرار داده نمیشود از این جهت من تصور میکنم فرق است بین آنکسی که

قبول کرده است و بدون هیچ عذر موجهی استعفا داده است یا آنکسی که نتوانسته است حاضر شود. از این جهت برای او مجازات معین شده برای این شده. **رئیس** - آقای کاشف.

کاشف - در این جا اشاره شده است تا پنجسال بطریق قرعه بحکمت معین نخواهد شد بنده خواستم سؤال کنم که اگر بطریق غیر قرعه باشد این محظوظا نخواهد بود یعنی اگر حکم اختصاصی باشد با حکم باشد این اشکال تا پنجسال نخواهد بود؟ این را خواستم توضیح بدهند.

وزیر عدلیه - بطور رضایت کسی بخواهد کسی را معین کند نباید آزا حق داد که محرومش کنند شاید طرف اعتمادش همین آدم است ولی اگر برعه معین شده باشد همین مجازات برای او متناسب است که تا چندی دیگر او را در اطراف قرعه نزنند.

رئیس - آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - موضوع حکمت که چندین مرتبه در مجلس مطرح شده است یعنی یکمرتبه قانونش اصلاح شده است و حالا تقریباً دفاة ثانی است برای این است که این تصمیمی که وزارت عدلیه با مجلس بواسطه وضع این قانون برای قطع و فصل دعوی کرده بودند بعد در اجرای آن دیدند دچار اشکالاتی میشوند باز می آیند و اصلاح میکنند حالا در این مواد پیش بینی هائی شده است که آن اشکالات پیش نیاید تهدید هائی باشد ولی يك فروضی هست که باز بقیده من پیش بینی نشده است بکیش در همین ماده فرض کنیم که حکمها هیچکدام حاضر نشوند یعنی يك جلسه معین کردند سه قری هیچکدامشان نیامدند اگر هر سه نیامدند آزا چکار میکنند اینجا نوشته نوشته شده اگر يك حکم نیامد آن دو تا خبر بدهند بمحکمه که عوضش را معین کند اما هیچك از حکمها نیامدند و بی اعترافی کردند باینکار میگویند نمی آیم بقیده بنده این را هم باید معین کنند یعنی از طرف محکمه يك ناظری باشد که مراتب باشد جبران حکمت را نه اینکه همینکه گفتند ما حکمت مراجع کردیم دیگر

ول شود و برود يك كسى مأهورت داشته باشد جلسات را مراجعت كند منظم كند يك كسى اگر نيامد بمحكمة اطلاع بدهد عوضش را معين كنند كه تايكى دو ماه اين كار تمام شود والا اين همينطور باز ميمانند اين است كه ببقده بنده خوبست يك ييش پنى در ايقامت بكنند .

وزیر عدلیه - اینکه میفرمایند ممکن است عوض یکی دو نفر یا سه نفر از حکمها حاضر نشوند پلی این يك فرضی است ولی اغلب آنچه که اتفاق می افتد حکم بدون عذر موجه چنین نیست که حاضر نشود ممکن است عذر موجهی داشته باشد اگر بدون عذر موجه حاضر نشد معلوم است که کسیکه او را حکم کرده تهدید کرده زور برای اینکه کار تمام نشود و همیشه مدعی علیه است که طالب ظفره است و میخواهد معطل كند كه كار طول بکشد و از برای او بهتر است و مدعی طلب است که زود تر کار خانه پیدا کند غالباً حکم مدعی علیه این کار را میکند و آهم بتحریر خود مدعی علیه است که تحریک میکند حاضر نشود و کم اتفاق می افتد که حکمها همه حاضر نشوند و نباید فرض کنیم اشخاصی که حکم میشوند آقدر لایالی هستد که هیچکدام حاضر میشوند وقتی وعده کردند اقلأ حاضر میشوند اما اینکه محکمه مأور بفرستد که بالای سر آنها باشد اساساً خوب نیست زیرا وقتی که کار بحکمت شد دیگر محکمه نظری ندارد نزدیک رسیدگی تقنین جلسات آنها با خود حکم هاست و حکم مشترك که در واقع او باید جلسات را معين بکنند و قریب رسیدگی را بدهد ز کم اتفاق می افتد - لا اگر اتفاق افتاد بگموردی که حکمها همه حاضر نشوند چاره نیست تا آخر مدت که حکمها رأی ندادند چه می شود حکمت باطل میشود مثل روز اول میشود که می رود محکمه چاره دیگر نیست .

رئیس - آقای امیر -
امیر - گویا بعضی بنده درست آقای مؤید احمدی اتفاق فرمودند بنده عرض نکردم که برای

رئیس - آقای دکتر طاهری .
دکتر طاهری - بنده معتقدم که اگر مسئله بحکمت رجوع شد و حکمها هم قبول کردند باید نتیجه داشته باشد یعنی باید رأی خودشان را بدهند زیرا که اگر رأی ندهند کار بسیار لغوی است و اصلاً باید از اول قبول نکنند اگر استعفا میداد ما هیچکس تقنینیه در معرض قرعه واقع نمیشود حالا استعفا نداده دو ماه یا شش ماه معطل کرده و رأی نداده آوقت میگویند کان لم یکن باشد این خیلی کار سقیمانه است ببقده بنده بایستی اینجا يك مجازاتی هم معين شود از قبلة نظر قضایی که حکمت کان لم یکن است برود بمحکمه لکن برای حکم هائیکه قبول حکمت کرده اند و بین مدت طرفین را معطل کرده اند بایستی تا يك مدتی محروم باشند از اینکه بحکمت انتخاب شوند زیرا این از ستمه بدتر است باید برای حکم يك حقوقی قرارداد او هم تفهیم اول قبول میکنند با ملاحظه اینکه باید رأی بدهد و تعیین تکلیف کند حق هم بگیرد و از اول با علم باین باید قبول کند یا رد کند و قریب قبول کرد بعد از دو ماه بگوید من رأی نمیدهم و مردم را معطل بکنند ببقده بنده باید يك جزائی هم برایش معين كنند .

وزیر عدلیه - این نکته که آقای دکتر طاهری بیان فرمودند ممکن است رعایت شود ولی در ماده دیگر خود این ماده نظر باین قسمت ندارد. فرض باید کرد که رأی نداده حالا که رأی نداده چه باید کرد اعم از اینکه آن رأی ندادن خوب کاری باشد یا خوب کاری نکرده باشند و اگر رأی نداده اند مجازاتی برایشان قرار داده شود و نه نظر باین است که وقتی رأی نداده چه باید کرد بنده يك نکته دیگری را هم خواستم عرض کنم که در این ماده کمیسیون ولی باز هم راضی نیستم اینجا دارد که حکمت کان لم یکن خواهد بود و البته بعد از گذشتن مدت حکمت کان لم یکن میشود یعنی حکمتی که بابتك شرایط

و قیودی که مدت هم جزو آن فیود و شرایط است بسته شد وقتی مدت گذشت کان لم یکن است این يك چیز معاومی است در ماده اول پیشنهادی این بود که حکمت کان لم یکن است ولی طرفین میتوانند آنرا تجدید کنند نتیجه این بود که يك قرارنامه علیحده لازم ندانست ممکن بود مدت را تمدید کنند ده روز یا نوزده روز بفرزایند این از برای تفهیم امر بود برای اینکه يك قرار نامه تنظیم شده است طرفین هم معين شده اند زحمتی هم کشیده اند رسیدگی هائی هم کرده اند آنچه به مطالب شده اند اگر طرفین همان اعتماد و اطمینان اولیه را بآنها دارند میتوانند چند روزی تمدید و تجدید بکنند . نظر کمیسیون این بود اینجا بطور تودنه شد و اصلاح شد در کمیسیون ولی طرفین میتوانند حکمت را تجدید و همان حکمها را از تعیین کنند بنظر بنده این نوشتن و نوشتن مساوی است زیرا البته طرفین میتوانند دوباره قرارداد حکمت کرده و دوباره آنها را معين کنند محتاج بنوشتن نیست اینست که بنده باین اصلاحی هم که در کمیسیون شده است درست موافقت ندارم .

مخیر - چون در کمیسیون این موضوع بحث شد و حالا زور اول ستم معلوم میشود که آقای وزیر عدلیه هم تردیدی در این عبارت پیدا فرموده اند بهتر این است که برود در کمیسیون و در شور دوم اصلاحش میکنیم .

رئیس - نظر دیگری نیست در این ماده
جمعی از امیندگان - خیر
[۴ - موقع دستور جلسه بود - ختم جلسه]
رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود (صحیح است) جلسه آینده شبانه سیزدهم بهمین سه ساعت قبل از ظهر دستور توابع وزارت عدلیه
(مجلس ملان ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

مدنی

جلد دوم - در اشخاص

کتاب اول - در کلیات

- ماده ۹۵۶ - اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام میشود.
- ماده ۹۵۷ - حل از حقوق مدنی متمتع میگردد بشرط بر اینکه زنده متولد شود.
- ماده ۹۵۸ - هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچکس نمیتواند حقوق خود را اعمال و اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.
- ماده ۹۵۹ - هیچکس نمیتواند بطور کلی حق متمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.
- ماده ۹۶۰ - هیچکس نمیتواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاقی حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف نظر نماید.
- ماده ۹۶۱ - جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:
- ۱ - در مورد حقوقی که قانون آنرا صراحتاً منحصر بایلیغ ایران نموده و آنرا صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است
 - ۲ - در مورد حقوق مربوط باحوال شخصی که قانون دولت متبوع بجه خارجه آنرا قبول نکرده.
 - ۳ - در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.
- ماده ۹۶۲ - تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود. مگر آنکه بکنفر بجه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتیکه مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و با اهلیت نفسی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتیکه قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد حکم اخیر نسبت باعمال حقوقی که مربوط بحقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران میباشد شامل نخواهد بود.
- ماده ۹۶۳ - اگر زوجین بجه يك دولت باشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.
- ماده ۹۶۴ - روابط بین ابرین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط نسبت بمادر مسلم باشد که در اینصورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.
- ماده ۹۶۵ - ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود.
- ماده ۹۶۶ - تصرف و مالکیت وسایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع میباشد مگر آنکه حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمیتواند بحقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیئی نسبت بآن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

ماده ۹۶۷ - هر که منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصابت از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی میتوانست است بموجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

ماده ۹۶۸ - تمهیدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدین اتباع خارجه بوده و آنرا صریحاً یا ضمنیاً تابع قانون دیگری فرار داده باشند.

ماده ۹۶۹ - اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می باشند.

ماده ۹۷۰ - ماهورین سیاسی یا قونسولی دول خارجه در ایران وقتی میتوانند با اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو نیهه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را بآنها داده باشد - در هر حال نکاح باید در دفتر سجل احوال ثبت شود.

ماده ۹۷۱ - دعوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه با اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا رفته میشود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

ماده ۹۷۲ - احکام صادره از محاکم خارجه و هم چنین اسناد رسمی لازم الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمیتوان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر اجرای آنها صادر شده باشد.

ماده ۹۷۳ - اگر قانون خارجه ای که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد بقانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف بر رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله بقانون ایران شده باشد.

ماده ۹۷۴ - مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی بموقع اجرا گذارده میشود که مخالف عهد بین المللی که دولت ایران آراء امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

ماده ۹۷۵ - محکمه نمیتواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا باعث دیگر مخلف با نظم عمومی محسوب میشود بموقع اجرا گذارد اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

این قانون که مشتمل بر بیست ماده است در جلسه ششم بهمن ماه یک هزار و سیصد و سیزده شمسی بمجلس شورای ملی رسیده و مجلس شورای ملی رسیده.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر